

بررسی محدودیت‌های حضور زنان در فضاهای عمومی شهری

(مطالعه‌ی موردی: شهر شاهین شهر)

احمد خادم الحسینی^۱، حسینه شیرخانی^۲

چکیده

فضاهای عمومی مهم‌ترین بخش شهرها را تشکیل می‌دهند. این فضاها، مکانهایی هستند که بیشترین برخوردها و کنشهای متقابل میان افراد در آنها به وقوع می‌پیوندد و شامل تمامی بخش‌هایی از شهرند که مردم به آنها دسترسی فیزیکی و بصری دارند.

استفاده و مناسب بودن فضاهای عمومی، موضوع مهمی است که باید در هر مطالعه‌ای که زندگی روزمره‌ی زنان و مردان را مد نظر قرار می‌دهد، مورد توجه قرار گیرد. محدودیت‌های تأثیرگذار بر حضور زنان در فضاهای شهری دامنه‌ی وسیعی از محدودیت‌های کالبدی - اجتماعی را در برمی‌گیرد. هدف از این مقاله بررسی محدودیت‌های حضور زنان در فضاهای عمومی شهر شاهین شهر می‌باشد. این پژوهش از لحاظ ماهیت و روش مبتنی بر رویکرد توصیفی - تحلیلی و براساس هدف از نوع کاربردی است. روش تحقیق ترکیبی از نوع میدانی و کتابخانه‌ای و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته است. ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷۶، بزرگتر از ۰/۷ است پس این پرسشنامه از اعتبار و پایایی برخوردار می‌باشد. جامعه‌ی آماری شامل زنان بالای ۱۵ سال شهر شاهین شهر می‌باشد و برای برآورد حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۳۳۰ نفر انتخاب شده‌اند.

با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت بین ویژگی‌های فردی و برخی از عوامل ایجاد محدودیت در فضاهای عمومی شهر شاهین شهر ارتباط معناداری وجود دارد.

کلمات کلیدی: فضاهای عمومی، زنان، حقوق شهروندی

مقدمه

"فضای شهری مکان تعامل و گفت و گوی نیروهای مختلف و تأثیرگذار بر روند تحولات شهری است". شرط اصلی برای اطلاق عنوان فضای شهری، برخوردار بودن از بستری است که در آن نیروهای گوناگون با یکدیگر تعامل داشته باشند. از آنجا که چنین گفت و گوها و مفاهیمها در طی تاریخ بیشتر در خیابانها و میدانها رخ داده، برخی را اعتقاد بر آن است که تنها باید خیابان و میدان را اجزای اصلی فضای شهری به حساب آورد؛ پس فضای شهری فضایی است که در آن نیروهای مؤثر بر روند تحولات شهری، خویشتن خویش را در قالب گفت و گو با دیگر نیروها می‌جوید و مفهوم می‌یابد و این با تعریف ماهوی شهر تناسب دارد (سلطانی و نامداریان، ۱۳۸۹: ۱۲۷). فضای شهری آن دسته از فضاهای عمومی شهر است که به مکان برقراری تعاملات اجتماعی و بروز زندگی عمومی تبدیل شده است. فضایی اجتماعی - فرهنگی که سازنده‌ی مکانی غیر از خانه و کار برای شهروندان است (ماجدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۷۵). فضای شهری بستری است که فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی در آن شکل می‌گیرد و روابط اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها با یکدیگر در این عرصه اتفاق می‌افتد. انجام فعالیت‌های گوناگون که در این عرصه‌ها اتفاق می‌افتد هرچند درک و تجربه‌های گروه‌های مختلف در محیط متفاوت از یکدیگر است باید برای تمام

^۱ استادیار برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد A.khademolhoseiny@phu.irun.ac.ir

^۲ کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد shirkhanihosniyeh@yahoo.com

گروهها فارغ از سن، جنس، نژاد و... فراهم گردد؛ (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۶). تمام فضاها را بجز آن دسته از فضاهایی که به صورت قاطع فضای خصوصی به حساب می‌آیند، می‌توان جزء فضاهای عمومی دانست (کاسانواس^۳، ۲۰۰۱: ۱۲۵). فضاهای عمومی فضاهایی هستند که ما در آن با غریبه‌ها شریک می‌شویم؛ مردمی که اقوام یا دوستان و همکاران ما نیستند. این مکانها فضایی برای فعالیتهای سیاسی، اعمال مذهبی، تجارت، بازی و غیره هستند؛ فضایی برای همزیستی با صلح و برخورد های غیرشخصی و شخصیت فضای عمومی، زندگی عمومی ما، فرهنگ شهر و زندگی روزمره‌ی ما را نشان داده و تنظیم می‌کند (والسر^۴، ۱۹۸۶: ۴۷۰). هرچند نقش فضاهای عمومی در یکپارچگی و یکدستی شهر کاملاً مشهود است اما کیفیت بالا و مثبت زندگی شهری در خیابانها و فضاهای باز، شرطی لازم برای جامعه است، به طوری که مردم را قادر می‌سازد تا از تعاملات اجتماعی لذت ببرند. از دست دادن فضای عمومی در شهرها منجر به پیامدهای مهم اجتماعی خواهد شد که «آتکینسون» و «بلندی» از آن با عنوان حرکت رو به پایین و تنزل روابط اجتماعی شهری نام می‌برند (آتکینسون و بلندی^۵، ۲۰۰۵: ۱۷۹). و این مطلب ممکن است تأثیرات مهمی بر روی شهروندان داشته باشد تا جایی که وجود فضای عمومی را می‌توان با عملکرد حدود فعالیت عمومی مرتبط دانست (اسمیت، لو، ۲۰۰۶: ۲۱). در طرح یک فضای عمومی برای شهر همه‌ی افراد استفاده کننده (زنان و مردان، پیر و جوان) باید در نظر گرفته شده باشند البته سهم عمده‌ی استفاده-کنندگان از فضاهای عمومی را زنان و کودکانی تشکیل می‌دهند که دارای فضای شخصی ملموس تری هستند (رفعیان و خدایی، ۱۳۸۹: ۸۹).

محدودیت‌های حضور زنان در فضاهای شهری ایران در ارتباط با هنجارهای غالب اجتماعی و اقتصادی قابل بررسی است؛ این هنجارها فضای خانه و نزدیک آن را متعلق به زنان می‌داند، به صورتی که محدوده‌ی امن زنان ایرانی در قرون گذشته و حتی هم اکنون در برخی از شهرهای کهن ایرانی، فضای خانه و فضای نیمه خصوصی چند خانه، بن‌بست‌ها و هشتی کوچه‌های فرعی بوده است. امروزه همه بر این باورند که برای این گروه اجتماعی به دلیل ضرورت ارتباط با دیگر گروهها و برقراری تعاملات اجتماعی و حق حضور در فضاهای شهری باید سطحی از عدالت در طراحی و برنامه‌ریزی فضایی رعایت شود (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۶). این مقاله در ضمن بررسی عوامل محدودکننده‌ی زنان در فضاهای شهری شاهین شهر، به تعریفی اجمالی از فضاهای شهری و حقوق شهروندی و مکاتب مرتبط با حقوق شهروندی، ارتباط بین ویژگی‌های فردی زنان و عوامل ایجاد محدودیت برای حضور زنان در فضاهای عمومی شهری شاهین شهر می‌پردازد و در انتها نیز راهکارهایی عمومی برای کاهش محدودیت‌های حضور زنان در فضاهای عمومی شهری ارائه می‌شود. از آنجا که هر تحقیقی به دنبال پاسخگویی به یک سؤال است، مسأله‌ی اصلی و فرضیه‌ی این پژوهش این است که: به نظر می‌رسد بین ویژگی‌های فردی زنان و عوامل ایجاد محدودیت برای حضور زنان در فضاهای عمومی شهری شاهین شهر ارتباط وجود دارد.

بیان مسأله

اگرچه نیازهای گروه‌های اجتماعی مختلف شباهت‌های زیادی به هم دارد، اما موانع پیش روی طراحی شهری با هم متفاوتند. طراحی فضا و مکان متأثر از خواست‌ها و اعمال قدرت گروه‌های مختلف اجتماعی است و شهرسازی

³ Casanovas

⁴ Walzer

⁵ Atkinson-blendy

و برنامه‌ریزی شهری قبل از آنکه به جنسیت وابسته باشد به فرهنگ آن جامعه وابسته شده است. برقراری تعادل بین نیازهای جنسیتی و دیگر عوامل مؤثر در شهرسازی امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. توجه به تفاوت‌های ظریفی که در زنان نسبت به مردان وجود دارد در هیچ‌کدام از طرح‌های شهری به چشم نمی‌خورد؛ برای نمونه متناسب نبودن ابعاد و تناسب مبلمان شهری با شرایط زنان امری مشهود است (تاجدار، ۱۳۸۷: ۳۳-۳۲).

یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که در سالهای اخیر، زنان و مردان فضاهای شهری را به صورتهای متفاوتی تجربه می‌کنند و زنان به طور یکسان با مردان از فضای شهری بهره‌مند نمی‌شوند. اگرچه فضاهای شهری براساس قانون به روی همه باز است، در موارد بسیاری، زنان توسط پیغامهای پنهانی که دریافت می‌کنند، درمی‌یابند که اجازه‌ی ورود به برخی فضاها را ندارند. این قبیل ملاحظات بر چگونگی بهره‌مندی زنان از فضاهای شهری تأثیر می‌گذارد اما با مداخلات فیزیکی و اجتماعی به صورت موازی می‌توان جو و محیط عمومی فضاهای شهری را تحت تأثیر قرار داد و میزان بهره‌مندی زنان از این فضاها و درک آنها از محیط پیرامونشان را ارتقا بخشید و امکان حضور آنان را در شهر فراهم کرد. یکی از عوامل محرکه این اقدام خود زنان به عنوان شهروند می‌باشند؛ آنان بهتر از همه بر معضلات حضورشان در محیطهای شهری واقف هستند و در صورت مشارکت فعال با برنامه‌ریزان شهری می‌توانند محیطی امن برای خود و خانواده‌شان فراهم آورند (ضابطیان، ۱۳۸۷: ۴۸). زنان به عنوان نیمی از جمعیت جهان باید از حق حضور در فضا بهره‌مند شوند، اما حضور زنان در فضاهای شهری با عوامل متعددی محدود می‌شود. درست است که باید همه شهروندان در دسترسی و استفاده از فضاها و امکانات شهری دارای فرصت‌ها و شرایط برابر باشند، اما محدودیت‌های دسترسی گروه‌های خاص در فضای شهر، بحث حقوق شهروندی را به میان می‌کشد. فضای شهری به همان نسبت که می‌تواند در توسعه‌ی عدالت اجتماعی راهگشا باشد، می‌تواند عاملی در جهت تعمیق نابرابری‌های اجتماعی نیز قلمداد شود.

بر مبنای مقدمات مطرح شده، مسأله این پژوهش از آنجا نشأت می‌گیرد که به نظر می‌رسد که زنان ساکن در شهر شاهین شهر در بهره‌مندی از حقوق شهروندی در فضاهای عمومی شهری، نسبت به مردان، شرایط یکسانی نداشته باشند و محدودیت‌هایی برای آنان وجود دارد. در این مقاله ضمن بررسی محدودیت‌های حضور زنان در فضاهای عمومی شهر، رابطه‌ی آن با ویژگی‌های فردی زنان و حقوق شهروندی آنان ردیابی می‌شود. مشاهده‌ی گذرا و سطحی زندگی زنان در عرصه‌ی عمومی، پرسش‌های گوناگونی را به ذهن متبادر می‌سازد و در این میان با شمارگسترده‌ای از سؤالات درباره‌ی زنان و کیفیت حضورشان در عرصه‌ی عمومی مواجهیم. در اینجا با هدف طرح مسأله به سؤالی در این باره می‌پردازیم: آیا بین ویژگی‌های فردی زنان و محدودیت‌های آنها در فضاهای عمومی شهری ارتباطی وجود دارد؟

ضرورت پژوهش

محدودیت‌های دسترسی گروه‌های خاص در فضای شهر، بحث حقوق شهروندی را به میان می‌کشد. فضای شهری به همان نسبت که می‌تواند در توسعه‌ی عدالت اجتماعی راهگشا باشد، می‌تواند عاملی در جهت تعمیق نابرابری‌های اجتماعی نیز قلمداد شود اما نکته‌ای که باید مورد تجدیدنظر قرار گیرد، این است که معمولاً در کشور ما فضای عمومی به وسیله‌ی مردان و برای مردان ایجاد می‌شود و نیازهای زنان کمتر در نظر گرفته می‌شود. گفتنی است در کشوری که توسعه، حضور زنان را همپای مردان می‌طلبد، باید آنان را به عنوان منبع اساسی نوآوری و پویایی شهری

قبول و باور کرد و بدین منظور مشارکت زنان به عنوان یک شهروند، گام نخست این موضوع است (غفار، ۱۳۸۷). اگرچه امروزه از لحاظ نظری زنان دسترسی نامحدودی به قلمرو عمومی دارند اما در واقعیت آنان اغلب این دسترسی آزاد را نداشته و در سراسر جهان نابرابری دسترسی به فضاهای عمومی را تجربه می‌کنند (مرادی، ۱۳۸۷، ۱۰۱). فضاهای عمومی شهر به عنوان تجلی‌گاه کالبدی شهر باید نیازهای اجتماعی شهروندان را برآورده ساخته، بسترهای لازم را در دسترسی و تأمین خدمات مورد نیاز استفاده‌کنندگان فراهم سازد و شرایطی ایجاد کند تا همه‌ی استفاده‌کنندگان اعم از مرد و زن از فضا بهره‌مند شوند.

مسئله‌ای که ذهن نگارندگان را بر آن داشت که به نگارش این مقاله پردازند این است که زنان به عنوان نیمی از جمعیت جهان باید از حق حضور در فضای شهری بهره‌مند شوند و حق مسلم زنان است که همانند مردان از شرایط برابر برای حضور در فضاهای شهری برخوردار باشند، اما امروزه زنان تا حدی از این حق مدنی خود محروم شده‌اند و حضور زنان در فضاهای شهری با عوامل متعددی محدود می‌شود. این پژوهش به شناخت و تحلیل این موضوع در شهر شاهین شهر پرداخته است، از اهداف عمده‌ای که تحقیق حاضر دنبال می‌کند، بررسی و شناخت محدودیت‌ها و مشکلات ناشی از عدم تحقق حقوق شهروندی زنان در شهر شاهین شهر است؛ به این منظور در این پژوهش تلاش بر این است تا تصویری از محدودیت‌های حضور زنان در شهر شاهین شهر ترسیم شود.

پیشینه‌ی پژوهش

درباره‌ی موضوع این پژوهش تاکنون هیچ مطالعه‌ای در شهر شاهین شهر مشاهده نشده است اما به صورت مستقل در مورد هرکدام از متغیرها، تحقیقاتی نگاشته شده که می‌توان به تحقیقاتی در مورد مسائل زنان، عرصه‌های عمومی و محدودیت‌های حضور زنان اشاره نمود:

- سیفائی (۱۳۸۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «مطلوبیت‌سنجی فضاهای عمومی شهری جهت استفاده‌ی گروه‌های خاص (زنان) در الگوی برنامه‌ریزی مشارکتی» با هدف پاسخگویی به نیاز گروه‌های اجتماعی (گروه‌های سنی و جنسی خاص) استفاده‌کننده از فضاهای عمومی شهر با تلاش برای رسیدن به اصول انسانی مؤثر در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری برنامه‌های شهر، ضمن تعریف و تحلیل مفاهیمی همچون فضاهای شهری و عمومی، به بررسی محدودیت‌های زنان در استفاده از فضاهای عمومی پرداخته و با بررسی دقیق و همه‌جانبه (کالبدی و عملکردی) محدوده‌ی مورد مطالعه و با در نظر گرفتن شاخص‌هایی که به نوعی معرف عملکرد موفق فضاهای عمومی بوده‌اند، به این نتیجه رسیده است که در برنامه‌ریزی شهری برای دستیابی به محیط‌های شهری انسانی‌تر، باید به حضور گروه جنسی زنان به عنوان بخشی از گروه‌های خاص اجتماعی در فضاهای عمومی شهری توجه داشت تا عدالت جنسیتی برقرار شده و باز تولید فرهنگی شهری حاصل شود.

- رضازاده و محمدی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل محدودکننده‌ی حضور زنان در فضاهای شهری» محدودیت‌های زنان را که مشتمل بر محدودیت‌های ناشی از طراحی و برنامه‌ریزی شهری و همچنین هنجارهای اجتماعی و فرهنگی است که بر کاهش حضور زنان در فضاهای شهری تأثیرگذارند، مورد بررسی قرار می‌دهد. محدودیت‌های تأثیرگذار بر حضور زنان در فضاهای شهری دامنه‌ی وسیعی از محدودیت‌های کالبدی - اجتماعی را در بر می‌گیرد بنابراین رابطه‌ی میان موانع، محدودیت‌ها و شرایط و نیازهای گروه‌های مختلف زنان مورد بررسی قرار می‌گیرد و در انتها توصیه‌هایی برای کاهش محدودیت‌های حضور زنان در فضاهای شهری

ارائه می‌شود.

- رفیعیان (۱۳۸۹) نیز در مقاله‌ای با عنوان «سازماندهی مردانه در شهرهای بزرگ» به بررسی وضعیت زنان در فضاهای عمومی شهری پرداخته است. محقق به بررسی وضعیت زنان در فضای شهرهای بزرگ، محدودیت‌های زنان در استفاده از فضاهای عمومی و علل ناامنی شهرها برای زنان پرداخته و به این نتیجه می‌رسد که رویکردهای مسلط و قوانین شهری به ایجاد تبعیض گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سنی و جنسی در میان شهروندان منجر می‌شود؛ همچنین محدودیتها و حصارهای فرهنگی ایجاد شده برای زنان در فضاهای اجتماعی و عرصه‌های عمومی باعث شده آنان نتوانند به خوبی از موقعیت خود بهره ببرند و مجبور باشند خود را همچون یک عنصر غیر لازم از صورت مسأله فضاهای شهری و عرصه‌های عمومی حذف کنند و منکر نیازهای خود به عنوان یک زن شوند.

- الیاس زاده مقدم و ضابطیان (۱۳۸۹) در مقاله‌ی خود با عنوان «بررسی شاخص‌های برنامه‌ریزی شهری مؤثر در ارتقای امنیت زنان در فضاهای عمومی با رویکردی مشارکتی (نمونه‌ی موردی: بخش مرکزی شهر تهران)»، به این نتایج رسیدند که هرچه میزان تردد زنان در پهنه‌های مورد مطالعه بیشتر بوده است، میزان احساس امنیت بیشتری داشته‌اند. همچنین بررسی شاخص‌های مدل مفهومی تجربی آنها حاکی از آن است که با افزایش میزان خوانایی و آشنایی فضا، ارتقای شهرت (خوشنامی و یا بدنامی) فضاها، نظارت برفضا و دسترسی به امداد، ارتقای حیات شبانه‌ی فضا و کارایی حمل و نقل عمومی، میزان احساس امنیت درک شده از فضا افزایش می‌یابد.

ادبیات نظری

مفهوم شهروندی

بسیاری از محققان بر تعاریفی که توسط ام. اچ. مارشال ارائه شده تکیه می‌کنند: شهروندی مقام و موقعیتی است که به کل افراد جامعه مربوط می‌شود؛ همه‌ی افرادی که این موقعیت را دارا هستند از حقوق یکسانی برخوردارند و موظف به انجام وظایف مربوط به آن هستند. حقوق شهروندی بر آزادی شخصی و آسایش اقتصادی و امنیت تمرکز می‌کند. او اشاره کرده که حقوق شهروندی در درجه اول اولویت است و حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی بعد از آن اهمیت دارند. نظریه‌ی مارشال درباره‌ی شهروندی، جنسیت و فاکتورهای دیگر همچون طبقه‌ی اجتماعی، مسائل قومی و نژادی، وضعیت اقتصادی - اجتماعی را که می‌تواند حقوق شهروندی را تحت تأثیر قرار دهد، نادیده می‌گیرد. (فالن^۶، ۲۰۰۳: ۵۲۶).

شهروندی برای روسو یک حق نیست، حتی یک رفتار هم نیست؛ شهروندی یک موقعیت اجتماعی است. ترکیب یک جامعه باید چگونه باشد تا بتواند دارای شهروند گردد؟ پاسخ به این سؤال این است که زنان همانگونه که باید در حوزه‌های خصوصی فعالیت کنند، باید بتوانند در حیطه‌ی فعالیت‌های عمومی نیز وارد شوند (لارر^۷، ۲۰۱۱: ۲۱۸). تئوری‌های فمینیست (طرفداران حقوق زنان) انواع شهروندی برای زنان را مورد بررسی قرار می‌دهند و حقوق پیشرفته و یا حل نشده در جامعه، میان مردم و میزان تأثیر آن بر مسؤولیتهای زنان را بررسی می‌کنند. این تئوریها نشان داده‌اند که نه تنها جامعه بر اساس جنسیت تقسیم‌بندی می‌شود (مثلاً وجود غالب مردان در مسائل عمومی جامعه و حضور رهبران مرد)، بلکه شهروندی نیز به خودی خود بر اساس جنسیت تقسیم‌بندی می‌شود.

⁶ fallon

⁷ larrere

تجزیه و تحلیل پاتمان^۸ (۱۹۸۸) نشان داد که شهروندی در دوره‌ی معاصر، شهروندی مردان را در اولویت قرار می‌دهد. چون فضای عمومی و تعریف‌های اجتماعی بهتری برای مردان وجود دارد زیرا زمان را در دست دارند و محدودیتی برای انجام مسؤولیت‌های خانه‌داری ندارند و در مقابل از زنان انتظار می‌رود که خانه را اداره و از کودکان و حتی خویشاوندان سالخورده مراقبت کنند و در نتیجه زنان وقت کم و محدودیت‌هایی دارند که مانع از ورود آنها به فضاهای عمومی می‌شود (استرومکویست، ۲۰۰۶: ۱۴۷). شهروندی به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی مدرن از مؤلفه‌های محوری نظام‌های امروزی و شاخصی کلیدی برای نشان دادن تحقق دموکراسی در یک جامعه‌ی مدرن است. به طور خلاصه هسته‌ی مشترک تعاریف ارائه شده از شهروندی بدین شرح می‌باشد: برخورداری عادلانه‌ی تمامی اعضای جامعه از مزایا، منابع و امتیازات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی، فارغ از تعلق طبقاتی، نژادی، مذهبی و قومی (توسلی و حسینی، ۱۳۸۳: ۳۵). پدیده‌ی شهروندی کامل در نهایت به مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و احساس تعلق اجتماعی بیشتر به جامعه منجر می‌شود. با وجود تنوع تعاریف شهروندی، موضوعی واحد در همه‌ی آنها وجود دارد و آن، تأکید بر حقوق و وظایف است (شیانی، ۱۳۸۶: ۵).

مفهوم حقوق شهروندی

موضوع حقوق شهروندی از مباحث بسیار مهم حقوق معاصر است؛ مفهوم و موضوع نوظهوری است که به طور ویژه به برتری و عدالت توجه دارد و در نظریات اجتماعی و سیاسی و حقوقی جایگاه خاصی پیدا کرده است. حقوق شهروندی بیش از هر چیز به حقوقی می‌پردازد که هر فرد به عنوان تابع یک دولت از آن برخوردار است و مصادیق آن بسیار زیاد است از برخورداری از مسکن و آموزش و بهداشت گرفته تا حقوقی از قبیل حق دادرسی عادلانه (رزاق پور، ۱۳۹۰: ۸۸). حقوق شهروندی یا آزادی‌های عمومی یا شهروندی، مجموعه‌ای از حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که فرد به عنوان تبعه یک دولت - کشور از آن برخوردار است. برای حقوق شهروندی تعاریف مختلفی ارائه شده است؛ مجموعه آزادی‌هایی که افراد یک جامعه از آن بهره‌مند هستند و اصطلاحاً حقوق و آزادی‌های فردی، حقوق عمومی شهروندان، حقوق بشر و شهروندی می‌نامند (رزاق پور، ۱۳۹۰: ۹۰-۹۱). حقوق شهروندی جزء لاینفک جامعه‌ی مدنی و مبنای آن به شمار می‌رود، چرا که امکان مشارکت داوطلبانه‌ی همه افراد را در تمام عرصه‌های اجتماعی را فراهم می‌سازد (هزارجریبی و امانیان، ۱۳۹۰: ۳). مجموعه‌ی حقوقی است که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی خود دارا می‌شوند و نیز اطلاق عام است بر مجموعه‌ی امتیازات مربوط به شهروندان و نیز مجموعه قواعدی که بر موقعیت آنان در جامعه حکومت می‌کند (نوروزی و گل پرور، ۱۳۹۰: ۱۸۰). حقوقی است برای اتباع کشور در رابطه با مؤسسات عمومی مانند حقوق سیاسی، حق استخدام عمومی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی حق داور و مصدق واقع شدن و در مجموع حقوق شهروندی اعم از حقوق سیاسی، مدنی و اجتماعی است (جعفری، ۱۳۸۷: ۱۲۹).

مکتب فرانکفورت و حقوق شهروندی

یکی از گرایشهای اصلی و اساسی در نحله‌ی نئومارکسیستها مکتب فرانکفورت است و به دلیل اینکه این مکتب در مقابل نظریه‌ی سنتی قرار دارد از آن به عنوان نظریه‌ی انتقادی نیز یاد می‌کنند (آزادارمکی، ۱۳۸۱: ۱۱۳-۱۱۲). مکتب فرانکفورت معتقد است که جامعه خردورز، جامعه‌ای است که ما (همگی) در جهت دگرگون‌سازی و خلق محیط

⁸ Patman

جدیدمان در آن مشارکت داشته باشیم (شکویی، ۱۳۸۷: ۲۵۸-۲۵۷).

مکتب پست مدرنیسم

در شهرسازی مدرن با وجود حضور وسیع زنان در عرصه‌های عمومی و فضاهای شهری به تفاوت و تنوع نیازهای آنان توجه کمی شده است. گویا در دل «منشور شهرسازی مدرن» منشور نانوشته‌ی دیگری وجود دارد که شهر را برای مردان مجرد و میانسال طراحی می‌کند. بیشتر الگوها، ساختارها و معیارهای شهرسازی مدرن خصلتی مردانه دارند و آگاهانه یا ناآگاهانه برای زنان همان نقش «جنس دوم» در نظر گرفته شده است. گویا شهرسازی مدرن از ارزشها و هنجارهای مردانه تبعیت می‌کند و تمام عظمت، زیبایی، آسایش و کارآیی را برای مردان می‌جوید و می‌سازد (مهدیزاده، ۱۳۸۵: ۷). آنها بر مفاهیمی همچون عدم تمرکز، محیط گرایی، برنامه‌ریزی و کالته، مشارکت مردم روی آوردند (زیاری، ۱۳۸۳: ۴۵) شهرسازی پسامدرن با درس‌آموزی از تجارب گذشته، از تمامیت گرایی، مطلق-گرایی و کمیت‌گرایی پرهیز دارد و بر مفاهیم توسعه‌ی پایدار، عدالت اجتماعی، کیفیت زندگی و مشارکت همگانی تأکید می‌ورزد (مهدیزاده، ۱۳۸۵: ۶). در دیدگاه پست مدرنیسم، امروزه سن، جنسیت، جهت‌گیری جنسی، قومیت و بسیاری دیگر از منابع تبعیض اجتماعی به عنوان شکل‌دهنده و منعکس‌کننده‌ی فرهنگ‌های شهری مورد توجه قرار می‌گیرد (شورت، ۱۳۸۸: ۵۹).

فمینیسم و حقوق شهروندی

نظریه‌ی فمینیستی زندگی اجتماعی و تجربه انسانی را از چشم‌انداز زنان مورد بررسی قرار می‌دهد و بر موقعیت زنان در جامعه تأکید دارد و در بررسی‌هایش زنان و دیدگاه‌های آنان را محور قرار می‌دهد. هدف از این نظریه آن است که با تشخیص نابرابری جنسی و اجحاف‌هایی که بر زنان به خاطر زن بودن تحمیل می‌شود نه تنها نابرابری زن و مرد را از میان بردارد بلکه هرگونه ساختار اجتماعی را که در جهت نابرابری افراد جامعه عمل می‌کند، مورد شناسایی قرار داده و آن را نابود یا تصحیح می‌کند (ریترز، ۱۳۷۴: ۵۱۵).

نظریات فمینیستی لیبرالی به بحث درباره‌ی حقوق برابر برای زنان یعنی برخوردار شدن زنان از حقوق شهروندی همانند مردان مربوط بوده است. بنابر استدلال آنان زنان انسانند و مانند مردان از همان حقوق طبیعی لاینفک برخوردارند. جنس زن به حقوقش ارتباط ندارد؛ زنان از قابلیت قدرت تعقل کامل برخوردارند و از این رو استحقاق تمام حقوق انسانی را دارند (ابوت و والاس، ۱۳۸۱: ۲۴۶-۲۴۵). در مجموع فمینیستها خواهان ایجاد فضای زنانه‌ای هستند که توأم با حس امنیت، آرامش، گشایش، معاشرت، صحبت، خلاقیت، تفریح و نشاط است (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۹: ۱۵۴).

مکتب کثرت‌گرایی (پلورالیسم)

دیویدوف^۹ این مشکل را مطرح ساخت که برنامه‌ریزی در معرض تعارض منافع گروه‌های نابرابر قرار دارد و از این نظر عدالت و دموکراسی ایجاب می‌کند که به نحوی میان این منافع مختلف آشتی و تعادل برقرار گردد و این کار مستلزم توسل به نوعی فرایند تصمیم‌گیری جمعی و مشارکت گروه‌های مختلف در برنامه‌ریزی است. به نظر دیویدف برنامه‌ریزان در واقع نوعی حمایتگر اجتماعی محسوب می‌شوند که در متن کشاکش نیروها و منافع مختلف گروه‌های اجتماعی باید به سمت رعایت عدالت و برابری حرکت کنند (مهدیزاده، ۱۳۸۰: ۵۱).

⁹ Davidoff

مکتب عدالت محیطی

عدالت محیطی، عدالت را برای همه‌ی مردم تقاضا می‌کند و هرگونه تبعیض را به هر شکلی که اعمال شود محکوم می‌دارد. عدالت محیطی همچنین حق مشارکت مردم را در همه سطوح تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، ارزیابی نیازها و عملی ساختن طرح‌ها، یک حق طبیعی می‌داند (شکوئی، ۱۳۸۴: ۳۲).

فضای عمومی

از تعاریف فضای عمومی چنین برداشت می‌شود که فضای عمومی بر دسترسی بدون محدودیت به فضا یا فعالیت‌های متنوع تأکید دارد که در نتیجه‌ی این دسترسی محدود نشده، تعامل اجتماعی شکل می‌گیرد؛ بنابراین فضای عمومی را می‌توان فضایی تعریف کرد که:

۱. مردم بدون محدودیت به آن دسترسی دارند،
 ۲. فعالیت‌هایی در آن صورت می‌پذیرد،
 ۳. یک سازمان عمومی آن را کنترل می‌کند،
- فضایی است که در جهت منافع عموم تأمین و اداره می‌شود (رهنمایی، ۱۳۸۶: ۳۴).
- هیلدن براند فری، بالا بودن رضایتمندی از محیط شهر را در گرو ویژگی‌های زیر عنوان کرده است. از نظر او یک شهر خوب باید:

۱. همه‌ی نیازهای ساکنان خود را تأمین کند.
۲. باید دارای ایمنی، امنیت و حفاظت بوده و از نظر بصری و عملکردی محیطی سامان‌یافته و با نظم باشد.
۳. باید محیطی اجتماعی هدایت‌کننده باشد و حس مکان را تقویت کند.
۴. باید دارای یک تصویر ذهنی مناسب، شهرت و اعتبار خوب باشد و به مردم حس اعتماد و منزلت دهد.
۵. باید به مردم فرصت خلاق بودن، شکل دادن به فضای شخصی مطرح کردن خودشان را دهد.
۶. باید از نظر زیبایی‌شناسی مطبوع بوده و از نظر کالبدی قابل تصور باشد (براند فری، ۱۳۸۳: ۳۰). اگرچه امروزه از لحاظ نظری زنان دسترسی نامحدودی به قلمرو عمومی دارند اما در واقعیت آنان اغلب این دسترسی آزاد را نداشته و در سراسر جهان نابرابری دسترسی به فضاهای عمومی را تجربه می‌کنند. ترس زنان از بی‌حرمتی بویژه در اوقات شب که احساس خطر از فضاهای خالی و کم نور و اجتناب از آنها تشدید می‌شود، مانع استفاده‌ی آنان از فضاهای عمومی می‌گردد (مرادی، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

تیبالدز: تمام بخش‌های بافت شهری که عموم به آن دسترسی فیزیکی دارند، از میدان، خیابان و پارک یک شهر تا نمای بناهایی که آنها تعریف و محدود می‌کنند، جزو فضاهای عمومی شهر محسوب می‌شوند (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۷۸).

جان لنگ: عرصه‌ی عمومی در بردارنده‌ی هر چیزی است که از نظر مکانی و در جای خود در معرض دید عموم قرار دارد. این مسأله بر این امر تأکید دارد که عرصه‌ی عمومی در برگیرنده‌ی تمامی مکان‌هایی است که هرکسی می‌تواند به آن دسترسی داشته باشد؛ هر چند این دسترسی در مقاطع زمانی کنترل شود و شامل فضای بیرونی و فضای درونی است. فضاهای بیرونی، شامل خیابان‌ها، میدان‌ها و پارک‌هاست در حالی که فضای درونی دربرگیرنده-ی گذرگاه‌های مستقف، ایستگاه‌های راه آهن، بناهای عمومی و دیگر فضاهایی که مردم حق دسترسی به آن را دارند؛ مانند پاساژها، مجتمع‌های تجاری و بازارهای سر پوشیده (ماجدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۷۵).

عوامل محدودکننده‌ی زنان در فضاهای عمومی شهری

عوامل متعددی زنان را در فضاهای شهری محدود می‌کند؛ عوامل کالبدی و طراحی فضا و هنجارهای غالب اجتماعی و فرهنگی از این دست عوامل هستند. قلمروهای متفاوتی که برای زنان و مردان متصور می‌شد، و در عین حال ساخت شهرها که به وسیله‌ی مردان صورت می‌گرفت و بدین ترتیب نیازهای مرد متوسط را مورد توجه قرار می‌داد به خلق فضاهای جنسیتی منجر شد. آنچه را که کارپ، استن و یولز «ماهیت جنسی شده فضای شهری» می‌نامند، می‌توان در نحوه‌ی عمل فضای شهری برای محدود کردن تحرک‌پذیری زنان مشاهده کرد، که این محدودیت را به لحاظ فیزیکی با القای الگوهای حرکت و رفتار بر پایه‌ی ترس و دسترسی محدود شده اعمال می‌کند و به لحاظ اجتماعی انگاره‌هایی درباره‌ی نقش زنان در جامعه‌ی شهری (مدنی پور، ۱۳۸۷: ۱۲۴). کریستن دی می‌گوید: محدودیت‌ها شامل عواملی می‌شوند که میان فعالیت‌های زنان در فضاهای عمومی (شامل لذت، ترجیح، مشارکت و معنا) فاصله می‌اندازد. او در بررسی تحقیقات موجود محیط - رفتار، بسیاری از محدودیت‌های مؤثر بر استفاده‌ی زنان از فضاهای عمومی شهری را مستند نموده است. دی معتقد است محدودیت‌ها شامل منابع محدود مانند پول و تحرک، احساسات بازدارنده مانند ترس و استرس، مسؤولیت‌های بازدارنده و سنگین مانند کار در منزل و نگهداری از کودکان و همچنین موقعیتها و هنجارهای مؤثر اجتماعی مانند اصول و هنجارهای محدودکننده‌ی جنسی و یا طراحی و برنامه‌ریزی غیرحساس به موضوع است. البته این محدودیت‌ها ممکن است با توجه به زمان و مکانی که زنان از فضاهای عمومی استفاده می‌کنند و یا مدت زمان استفاده و رفتار و تجارب آنها در طول زمان استفاده از فضا تأثیر متفاوت داشته باشد (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۸: ۱۱۰). عامل ترس و امنیت شبانه موضوع بسیار مهمی است که بر کاهش میزان حضور زنان نسبت به مردان در شب تأثیر می‌گذارد؛ به عبارتی نسبت زنان به مردان به هنگام شب تغییر فاحشی دارد؛ زنان ممکن است از رفتن به مراکز شهری واهمه داشته باشند چرا که مردان و بخصوص مردم جوان این منطقه را به سلطه‌ی خود در آورده باشند (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۸: ۱۱۱).

آزادی زنان در شهر به روشهای متعددی محدود می‌شود که موانعی را بر سر تحرک و جنب و جوش آنها در شهر پدید می‌آورد و محدودیت ساختاری حاصل از گسترش مناطق حومه‌ی شهری زنان را وادار می‌کند از مراکز فعالیت دور بمانند و فرصت‌هایشان کاهش یابد؛ بویژه که زنان وابستگی شدیدی به وسایل حمل و نقل عمومی دارند. جدا شدن خانه از کار، در فرایند صنعتی شدن و به حومه راندن زندگی شهری هر روز زنان را از تحرک اجتماعی و مکانی باز می‌دارد (مدنی پور، ۱۳۸۷: ۱۲۶). بسیاری از صاحب‌نظران به ارائه‌ی ویژگی‌های برنامه‌ریزانه و طراحانه در رابطه با فضاهای سکونتی مطلوب از دید زنان پرداخته‌اند؛ مواردی مانند سکونت به همراه خدمات تأمین شده، تراکم زیاد، فعالیت‌های مرتبط با خانه، اختلاط کاربری‌ها در مقیاس محله‌ای، دسترسی راحت به حمل و نقل عمومی امن، فضاهای عمومی امن، دسترسی راحت به مکان‌ها و فضاهای عمومی و... از جمله نیازهای زنان در رابطه با محیط هستند (فرانک^{۱۰}، ۲۰۰۲: ۳۴۸).

موقعیت جغرافیایی و تقسیمات سیاسی و اداری شاهین شهر

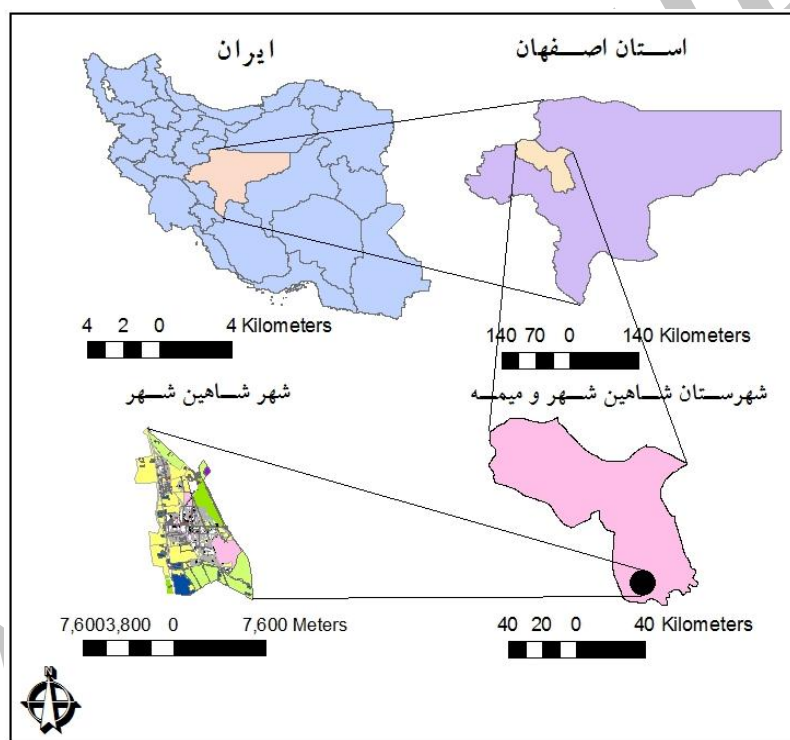
شاهین شهر در فاصله‌ی تقریبی ۲۴ کیلومتری شمال غربی اصفهان در کنار جاده‌ی اصفهان - تهران و در مختصات جغرافیایی ۵۱ درجه و ۳۴ دقیقه طول شرقی و ۳۲ درجه و ۵۲ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. شاهین شهر در

¹⁰ franck

سال ۱۳۸۵ بخشی از شهرستان‌های برخوار و میمه بوده که اخیراً به دو شهرستان برخوار و شاهین‌شهر و میمه تقسیم گردیده است

بر اساس آخرین تقسیمات سیاسی و اداری استان، شهرستان شاهین‌شهر و میمه دارای ۲ بخش (مرکزی و میمه)، ۶ شهر (گرگاب، میمه، شاهین‌شهر، گز، وزوان و لایبید) و ۴ دهستان (مورچه‌خورت، زرکان، غربی و ونداده) به مرکزیت شاهین‌شهر می‌باشد. این شهرستان از طرف شمال به استان مرکزی و شهرستان کاشان، از سمت غرب به شهرستان‌های نجف‌آباد و گلپایگان و از طرف جنوب به شهرستان‌های اصفهان و خمینی‌شهر و از طرف شرق به شهرستان‌های نطنز و برخوار محدود می‌گردد (مهندسان مشاور آتک، خلاصه گزارش وضع موجود، ۱۳۸۹: ۱).

شهرستان شاهین‌شهر و میمه در سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۱۹۶۵۸۴ نفر جمعیت بوده که از این تعداد، ۹۸۱۸۲ نفر را زنان تشکیل می‌دهند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). شهر شاهین‌شهر در سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۱۴۳۳۰۸ نفر جمعیت و ۴۱۷۳۰ خانوار و هم‌ی زنان ساکن در شهر شاهین‌شهر بنا بر آمار بیان شده (از سوی سازمان‌های مربوط) در سرشماری سال ۱۳۹۰ برابر با ۷۱۹۵۱ نفر می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).



شکل (۱): موقعیت شهر شاهین‌شهر در کشور، استان و شهرستان

متغیرها و شاخص‌های مورد مطالعه

ویژگی‌های فردی به عنوان متغیر مستقل محسوب می‌شوند که شامل: سن، تحصیلات، وضعیت تأهل، تعداد فرزند، شغل، دین، تعداد فرزندان و درآمد ماهیانه می‌باشد.

عواملی که باعث ایجاد محدودیت برای حضور زنان در فضاهای عمومی شهری هستند شامل: نداشتن درآمد و هزینه‌ی زیاد، ترس از حضور در محیط، مسؤلیت کار در منزل، نگرش مردم و جامعه، شلوغی زیاد فضاهای شهری، عدم دسترسی مناسب به فضاهای شهری، نبود سرویس بهداشتی، عدم تنوع در کارکرد فضاها، نبود

تجهیزات و مبلمان شهری مناسب برای زنان، نگهداری از کودکان، نگهداری از سالموردگان، نگهداری از بیماران، محدود بودن حمل و نقل عمومی، طراحی نامناسب فضاهای عمومی، پایین بودن سرزندگی و نشاط فضاها، پایین بودن جذابیت فضاها، عدم امکان مشارکت برابر برای حل مسائل اجتماعی، عدم دسترسی برابر به خدمات و امکانات شهری و عدم وجود برخی کاربری‌های تفریحی مناسب زنان است.

یافته‌های پژوهش

جامعه‌ی آماری مورد سنجش

جامعه‌ی آماری این تحقیق، همه‌ی زنان ساکن شهر شاهین شهر هستند که بنا بر آمار بیان شده (از سوی سازمان‌های مربوط) در سرشماری سال ۱۳۹۰ برابر با ۷۱۹۵۱ نفر می‌باشند (معاونت برنامه‌ریزی استانداری اصفهان، ۱۳۹۰). از میان کل جمعیت آماری زنان شاهین شهر، ۳۳۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شد. در تحقیق حاضر برای انتخاب نمونه‌های حاضر از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است؛ در این روش به طور تصادفی افراد مورد مطالعه انتخاب می‌شوند و همه دارای یک شانس برای انتخاب شدن هستند. ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷۶، بزرگتر از ۰/۷ است بنابراین این پرسشنامه از اعتبار و پایایی برخوردار است.

ویژگی‌های فردی پاسخگویان

بر اساس داده‌های مستخرج از پرسشنامه ۴۰/۳ درصد (۱۳۳ نفر) در رده‌ی سنی ۱۵-۲۴ سال، ۳۵/۲ درصد (۱۱۶ نفر) در رده‌ی سنی ۲۵-۳۴ سال، ۱۵/۲ درصد (۵۰ نفر) در گروه سنی ۳۵-۴۴ سال، ۷/۳ درصد (۲۴ نفر) در رده‌ی سنی ۴۵-۵۴ سال و فقط ۱/۱ درصد (۷ نفر) بیشتر از ۵۵ سال بودند.

۰/۹ درصد (۳ نفر) تحصیلات ابتدایی دارند و ۲/۴ درصد (۸ نفر) در سطح راهنمایی هستند و ۷/۳ درصد (۲۴ نفر) کمتر از دیپلم و ۳۰/۳ درصد (۱۰۰ نفر) دیپلم و ۱۰/۶ درصد (۳۵ نفر) در سطح فوق دیپلم و ۴۳/۳ درصد (۱۴۳ نفر) لیسانس و ۵/۲ درصد (۱۷ نفر) دارای تحصیلات در سطح فوق لیسانس و بالاتر هستند.

۴۷/۶ درصد (۱۵۷ نفر) از پاسخگویان این نظرسنجی مجرد و ۵۰ درصد (۱۶۵ نفر) متأهل و ۲/۴ درصد (۸ نفر) نیز مطلقه می‌باشند.

۰/۳ درصد (۱۰ نفر) از پاسخگویان بیش از ۳ فرزند دارند و ۵/۲ درصد (۱۷ نفر) دارای ۳ فرزند و ۱۰/۹ (۳۶ نفر) دارای ۲ فرزند و ۱۷/۳ درصد (۵۷ نفر) فقط ۱ فرزند و ۶۳/۶ (۲۱۰ نفر) نیز بدون فرزند هستند.

۲۵/۵ درصد (۸۴ نفر) خانه‌دار و ۲۸/۵ درصد (۹۴ نفر) کارمند و ۷/۳ (۲۴ نفر) در مشاغل آزاد مشغول به کار هستند و ۳۸/۲ درصد (۱۲۶ نفر) در حال حاضر مشغول به تحصیل می‌باشند و ۰/۶ درصد (۲ نفر) نیز بازنشسته هستند.

۹۳/۶ درصد (۳۰۹ نفر) از پاسخگویان دین اسلام، ۴/۸ درصد (۱۶ نفر) دین مسیحیت، ۰/۳ درصد (۱ نفر) دین زرتشتی دارند و دیگر ادیان نیز ۱/۲ درصد (۴ نفر) از پاسخگویان را تشکیل می‌دهد.

۵۵/۲٪ (۱۸۲ نفر) از پاسخگویان بدون درآمد هستند و ۹/۲٪ (۳۰ نفر) کمتر از ۲۵۰ هزار تومان و ۱۰/۶٪ (۳۵ نفر) ۲۵۰-۴۰۰ هزار تومان، ۱۱/۸٪ (۳۹ نفر) ۴۰۰-۶۰۰ هزار تومان و ۱۰/۹٪ (۳۶ نفر) ۶۰۰-۹۰۰ هزار تومان و ۲/۴٪

نیز درآمدی بیش از ۹۰۰ هزار تومان دارند.

میزان همبستگی ویژگی‌های فردی با عوامل ایجاد محدودیت برای حضور زنان در فضاهای عمومی شهر

نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می‌دهد که سن با عوامل عدم امکان مشارکت برابر برای حل مسائل

اجتماعی، شلوغی زیاد فضاهای شهری، محدود بودن حمل و نقل عمومی، طراحی نامناسب فضاهای عمومی، پایین بودن سرزندگی و نشاط فضاها، پایین بودن جذابیت فضاها، عدم تنوع در کارکرد فضاهای شهری، نبود سرویس بهداشتی، رابطه‌ی همبستگی دارد؛ ضریب همبستگی بسیار کوچک است و از یک فاصله بسیار زیادی دارد بنابراین رابطه‌ی همبستگی بسیار ضعیف است.

همانگونه که در جدول شماره (۲) مشاهده می‌گردد، عامل تحصیلات با عوامل عدم تنوع در کارکرد فضاها، نگهداری از بیماران، نگهداری از سالمند، نگهداری از کودکان رابطه‌ی همبستگی دارد؛ ضریب همبستگی بسیار کوچک است و از یک، فاصله بسیار زیادی دارد و رابطه‌ی همبستگی بسیار ضعیف است.

عامل تأهل و تعداد فرزندان با هیچ عاملی همبستگی ندارد.

شغل با دو عامل مسؤولیت کار در منزل، عدم امکان مشارکت برابر برای حل مسائل اجتماعی رابطه‌ی همبستگی دارد؛ ضریب همبستگی بسیار کوچک است و از یک، فاصله بسیار زیادی دارد و رابطه‌ی همبستگی بسیار ضعیف است.

دین با عامل نداشتن درآمد و هزینه‌ی زیاد رابطه‌ی همبستگی دارد و رابطه همبستگی از نوع غیر مستقیم است. درآمد ماهیانه با عوامل ترس از حضور در محیط، رابطه‌ی همبستگی دارد و این همبستگی از نوع غیرمستقیم است. و با عوامل مسؤولیت کار در منزل، نگهداری از کودکان، طراحی نامناسب فضاهای عمومی، رابطه‌ی همبستگی دارد؛ ضریب همبستگی بسیار کوچک است و از یک، فاصله‌ی بسیار زیادی دارد و رابطه‌ی همبستگی بسیار ضعیف است.

Archive of SID

استفاده نموده و در این پژوهش آزمون کروسکال والیس^{۱۲} انتخاب شد.

جدول (۲): نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف به منظور بررسی توزیع طبیعی داده‌ها

سطح معناداری	آماره آزمون کولموگروف اسمیرنوف	عوامل ایجاد محدودیت برای حضور زنان در فضاهای عمومی شهری
۰.۰۰۰	۲/۶۱۸	نداشتن درآمد و هزینه‌ی زیاد
۰.۰۰۰	۲/۸۰۳	ترس از حضور در محیط
۰.۰۰۰	۳/۳۳۹	مسئولیت کار در منزل
۰.۰۰۰	۳/۰۹۵	نگرش مردم و جامعه
۰.۰۰۰	۲/۹۲۲	شلوخی زیاد فضاهای شهری
۰.۰۰۰	۲/۸۲۳	عدم دسترسی مناسب به فضاهای شهری
۰.۰۰۰	۳/۳۴۴	نبود سرویس بهداشتی
۰.۰۰۰	۳/۳۷۵	عدم تنوع در کارکرد فضاها
۰.۰۰۰	۲/۸۰۰	نبود تجهیزات و مبلمان شهری مناسب برای زنان
۰.۰۰۰	۲/۶۶۵	نگهداری از کودکان
۰.۰۰۰	۳/۳۰۳	نگهداری از سالخورده‌گان
۰.۰۰۰	۳/۶۹۹	نگهداری از بیماران
۰.۰۰۰	۲/۹۴۰	محدود بودن حمل و نقل عمومی
۰.۰۰۰	۳/۱۶۵	طراحی نامناسب فضاهای عمومی
۰.۰۰۰	۳/۱۳۱	پایین بودن سرزندگی و نشاط فضاها
۰.۰۰۰	۲/۸۰۴	پایین بودن جذابیت فضاها
۰.۰۰۰	۲/۵۹۰	عدم امکان مشارکت برابر برای حل مسائل اجتماعی
۰.۰۰۰	۲/۶۹۸	عدم دسترسی برابر به خدمات و امکانات شهری
۰.۰۰۰	۲/۷۸۶	عدم وجود برخی کاربری‌های تفریحی مناسب زنان

باتوجه به جدول شماره (۳)، ملاحظه می‌شود که سطح معناداری برای عوامل سرویس بهداشتی، عدم تنوع در کارکرد فضاها، نگهداری از کودک و پایین بودن جذابیت فضاها، مقداری کوچکتر از $\alpha=0/05$ است که این مقادیر به ترتیب برابر است با $\text{sig}=0/017$ ، $\text{sig}=0/013$ ، $\text{sig}=0/036$ ، $\text{sig}=0/043$ ؛ بنابراین بین سن و این عوامل ارتباط معناداری وجود دارد. سطح معناداری برای عوامل نگهداری از کودک، نگهداری از سالمند و نگهداری از بیمار، $\text{sig}=0/009$ ، $\text{sig}=0/008$ ، $\text{sig}=0/013$ است، بنابراین بین تحصیلات و این عوامل ارتباط وجود دارد. سطح معناداری برای عوامل عدم تنوع در کارکرد فضاهای شهری و طراحی نامناسب فضاهای عمومی مقداری کوچکتر از $\alpha=0/05$ است که این مقادیر به ترتیب برابر است با $\text{sig}=0/005$ ، $\text{sig}=0/019$ ؛ بنابراین بین تأهل و این عوامل ارتباط وجود دارد.

سطح معناداری برای عامل نگرش مردم و جامعه مقداری کوچکتر از $\alpha=0/05$ است که این مقدار برابر است با $\text{sig}=0/015$ ؛ بنابراین بین تعداد فرزند و این عامل ارتباط وجود دارد.

سطح معناداری برای عوامل ترس و کار در منزل مقداری کوچکتر از $\alpha=0/05$ است که این مقادیر به ترتیب برابر

¹² Kruskal wallis test

است با $\text{sig} = 0/017$ ، $\text{sig} = 0/019$ ؛ بنابراین بین شغل و این عوامل ارتباط معناداری وجود دارد. سطح معناداری برای نداشتن در آمد و هزینه زیاد مقداری کوچکتر از $\alpha = 0/05$ است که این مقدار برابر است با $\text{sig} = 0/032$ ؛ بنابراین بین دین و این عامل ارتباط معناداری وجود دارد. بین عامل درآمد و عوامل ایجاد محدودیت برای حضور زنان در فضاهای عمومی شهری هیچ ارتباط معناداری وجود ندارد و سطح معناداری برای هیچ عاملی کمتر از $\alpha = 0/05$ نیست.

جدول (۳): سطح معناداری و آزمون کروسکال والیس برای عوامل ایجاد محدودیت برای حضور در فضا با ویژگی‌های فردی

عوامل ایجاد محدودیت برای حضور زنان در فضاهای عمومی شهری	با عامل سن		با عامل تحصیلات		تأهل		تاهل		تعداد فرزندان		فعال		دین		درآمد ماهانه	
	آزمون کروسکال والیس	مقدار	آزمون کروسکال والیس	مقدار	آزمون کروسکال والیس	مقدار	آزمون کروسکال والیس	مقدار	آزمون کروسکال والیس	مقدار	آزمون کروسکال والیس	مقدار	آزمون کروسکال والیس	مقدار	آزمون کروسکال والیس	مقدار
تأسیسات درآمد و هزینه زیاد:	۰/۱۱۲۸	۰/۱۱۲۸	۰/۸۴۶۳	۰/۸۴۶۳	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱
ترس از حضور در محیط:	۰/۲۱۱۵	۰/۲۱۱۵	۰/۸۴۶۳	۰/۸۴۶۳	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱
نگرشی مردم و جامعه:	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱
شلوغی زیاد فضاهای شهری:	۰/۱۸۱۳	۰/۱۸۱۳	۰/۸۴۶۳	۰/۸۴۶۳	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱
عدم دسترسی مناسب به فضاهای شهری:	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱
نبودن سرویس بهداشتی:	۰/۱۳۱۳	۰/۱۳۱۳	۰/۸۴۶۳	۰/۸۴۶۳	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱
عدم تنوع در کارکرد فضاهای:	۰/۱۳۱۳	۰/۱۳۱۳	۰/۸۴۶۳	۰/۸۴۶۳	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱
نبودن تجهیزات و مبلمان شهری مناسب برای زنان:	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱
نگهداری از کودکان:	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱
نگهداری از سالمندان و کودکان:	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱
محدود بودن حمل و نقل عمومی:	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱
ظرفی نامناسب فضاهای عمومی:	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱
پایتین بودن سرزندگی و نشاط فضاهای:	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱
پایتین بودن جذابیت فضاهای:	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱
عدم امکان مشارکت برابر برای حل مسائل اجتماعی:	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱
عدم دسترسی برابر به خدمات و امکانات شهری:	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱
جلد بندی و برخی کاربردهای تفریحی مناسب زنان:	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱	۰/۳۲۳۱

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

حضور زنان در فضاهای عمومی شهری و تلاش برای رفع محدودیت‌های حضور آنان از دیدگاه مکاتب حقوق شهروندی امری است که مورد توجه خاص برنامه‌ریزان شهری قرار می‌گیرد و درک اینکه چگونه زنان از زندگی شهری بهره‌مند شوند و در آن مشارکت نمایند از مسائل مورد توجه مکاتب پست مدرنیسم، فمینیسم، فرانکفورت،

پلورالیسم و عدالت محیطی می باشد و مطالعات صورت گرفته در شهر شاهین شهر نشان می دهد که اصول مورد تأکید این مکاتب و امکان حضور عادلانه‌ی زنان در فضاهای عمومی شهر و همچنین مشارکت آنان در برنامه‌ریزی فضاهای عمومی شهری فراهم نیست.

در این مقاله تلاش شد تا عوامل محدودکننده‌ی حضور زنان در فضاهای عمومی شهری و همچنین راهکارهای کاهش این محدودیت‌ها عنوان شود. مسأله‌ی اصلی این پژوهش، بررسی رابطه میان متغیرهایی چون ویژگی‌های فردی، محدودیت‌های حضور زنان در فضاهای عمومی شهر است. با توجه به جداول همبستگی و ویژگی‌های فردی با عوامل ایجاد محدودیت (که با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن محاسبه شده است) مشاهده می‌شود که عامل سن با عوامل شلوغی زیاد فضاهای عمومی شهری، نبود سرویس بهداشتی، عدم تنوع در کارکرد فضاها، محدود بودن حمل و نقل عمومی، طراحی نامناسب فضاهای عمومی، پایین بودن سرزندگی و نشاط فضاها، پایین بودن جذابیت فضاها و عدم امکان مشارکت برابر برای حل مسائل اجتماعی رابطه‌ی همبستگی ضعیفی دارد. عامل تحصیلات با عوامل عدم تنوع در کارکرد فضاها، نگهداری از کودکان، نگهداری از سالمندان و نگهداری از بیماران رابطه‌ی همبستگی ضعیفی دارد. عامل تأهل و تعداد فرزندان با هیچیک از عوامل محدودیت حضور زنان رابطه‌ی همبستگی ندارد. عامل شغل با دو عامل مسؤلیت کار در منزل و عدم امکان مشارکت برابر برای حل مسائل اجتماعی رابطه‌ی همبستگی ضعیفی دارد. متغیر دین با عامل نداشتن درآمد و هزینه‌ی زیاد رابطه‌ی همبستگی غیر مستقیم دارد. متغیر درآمد ماهیانه با عامل ترس از حضور در محیط رابطه‌ی همبستگی غیر مستقیم دارد و با عوامل مسؤلیت کار در منزل، نگهداری از کودکان و طراحی نامناسب فضاهای عمومی رابطه‌ی همبستگی ضعیفی دارد. بین سن و عوامل نبود سرویس بهداشتی، عدم تنوع در کارکرد فضاها، نگهداری از کودک و پایین بودن جذابیت فضاها، بین تحصیلات و عوامل نگهداری از کودک، نگهداری از سالمند و نگهداری از بیمار، بین تأهل و عوامل عدم تنوع در کارکرد فضاهای شهری و طراحی نامناسب فضاهای عمومی، بین تعداد فرزند و عامل نگرش مردم و جامعه، بین شغل و عوامل ترس و کار در منزل، بین دین و نداشتن درآمد و هزینه‌ی زیاد ارتباط معناداری وجود دارد.

بین عامل درآمد و عوامل ایجاد محدودیت برای حضور زنان در فضاهای عمومی شهری هیچ ارتباط معناداری وجود ندارد.

منابع

- ابوت، پاملا، کلر والاس. (۱۳۸۱). درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی، ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران: انتشارات دنیای مادر.
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۱). نظریه‌های جامعه‌شناختی، تهران: انتشارات سروش.
- براند فری، هیلدر. (۱۳۸۳). طراحی شهری به سوی یک شکل پایدارتر شهر، ترجمه حسین بحرینی، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- پاپلی یزدی، محمد حسین، حسین رجبی سناجردی. (۱۳۸۹). نظریه‌های شهر و پیرامون، تهران: انتشارات سمت.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۸). مقالاتی در باب طراحی شهری، انتشارات شهیدی.
- تاجدار، وحید، مصطفی اکبری. (۱۳۸۷). زنان و حکمروانی خوب شهر، فصلنامه‌ی تحلیلی- پژوهشی علوم اجتماعی جستارهای شهرسازی، شماره ۲۴ و ۲۵، تابستان، صص ۳۳-۳۲.
- توسلی، غلام عباس و سید محمود حسینی. (۱۳۸۳). واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی پنجم، شماره‌ی ۲، ص ۳۵.
- جعفری لنگرودی، محمدتقی. (۱۳۸۷). ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات مجد.
- رزاق پور، یوسف. (۱۳۹۰). نگاهی به حقوق شهروندی، ماهنامه‌ی کانون، شماره‌ی ۱۲۳، صص ۹۸-۸۷.
- رضازاده، راضیه، مریم محمدی. (۱۳۸۸). بررسی عوامل محدودکننده حضور زنان در فضاهای شهری، نشریه‌ی هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، شماره ۳۸، صص ۱۱۴-۱۰۵.
- رفیعیان، مجتبی، زهرا خدایی. (۱۳۸۹). شهروندان و فضاهای عمومی شهری، نگرش تحلیلی بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری، انتشارات ساغر مهر.
- رهنمایی، محمدتقی، یوسف اشرفی. (۱۳۸۶). فضاهای عمومی شهر و نقش آن در شکل‌گیری جامعه‌ی مدنی از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری، جغرافیا، نشریه‌ی علمی- پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، دوره‌ی جدید، سال پنجم، شماره‌ی ۱۴ و ۱۵، ص ۳۴.
- ریتز، جورج. (۱۳۷۴). نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- زیاری، کرامت اله. (۱۳۸۳). مکتب‌ها، نظریه‌ها و مدل‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، یزد: دانشگاه یزد.
- سلطانی، علی، احمدعلی نامداریان. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر نیروهای مختلف در شکل‌گیری فضای شهری، نشریه‌ی هویت شهر، سال پنجم، شماره‌ی ۷، صص ۱۲۸-۱۲۶.
- شکویی، حسین. (۱۳۸۴). اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، تهران: گیتاشناسی.
- _____ . (۱۳۸۷). اندیشه‌های نو در فلسفه‌ی جغرافیا، فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- شورت، جان رنه. (۱۳۸۸). نظریه‌ی شهری، ترجمه‌ی کرامت اله زیاری، تهران: دانشگاه تهران.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۶). فقر، محرومیت و شهروندی در ایران، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره‌ی ۱۸، ص ۵.
- ضابطیان، الهام، مجتبی رفیعیان. (۱۳۸۷). درآمدی بر فضاهای امن شهری با رویکرد جنسیتی، جستارهای شهرسازی، شماره‌ی ۲۵-۲۴، صص ۵۵-۴۸.

- طرح توسعه و عمران (جامع) و ساماندهی حریم شاهین شهر، خلاصه‌ی گزارش وضع موجود. (۱۳۸۹). مهندسان مشاور آتک.
- غفار، پارسا. (۱۳۸۷). روزنامه‌ی اعتماد ملی، شماره‌ی ۶۹۸.
- ماجدی، حمید، الهام منصوری و آذین حاجی احمدی. (۱۳۹۰). بازتعریف فضای شهری (مطالعه‌ی موردی: محور ولیعصر حد فاصل میدان ولیعصر تا چهار راه ولیعصر)، دو فصلنامه‌ی مدیریت شهری، شماره‌ی ۲۷، صص ۲۸۳-۲۶۳.
- مدنی پور، علی. (۱۳۸۷). طراحی فضای شهری، ترجمه‌ی فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران: شهرداری تهران.
- مرادی، سلمان. (۱۳۸۷). تصادم فرهنگی، چالش برنامه‌ریزی برای نیازهای فضایی عمومی زنان مسلمان. جستارهای شهرسازی، شماره‌ی ۲۴ و ۲۵، ص ۱۰۱.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰.
- مهدیزاده، جواد. (۱۳۸۰). به سوی شهرسازی دموکراتیک، فصلنامه‌ی مدیریت شهری، شماره‌ی ۵، ص ۵۱.
- مهدیزاده، جواد. (۱۳۸۵). تحول در پارادایمهای شهرسازی، فصلنامه‌ی تحلیلی - پژوهشی علوم اجتماعی جستارهای شهرسازی، شماره‌ی ۱۶ و ۱۵، ص ۶.
- نوروزی، فیض اله، منا گل پرور. (۱۳۹۰). بررسی احساس برخورداری زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن. فصلنامه‌ی راهبرد، سال بیستم، شماره‌ی ۵۹، ص ۱۶۸.
- هزارجریبی، جعفر، ابوالفضل امانیان. (۱۳۹۰). آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن. مجله‌ی مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال سوم، شماره‌ی ۹، صص ۱۸-۱.
- Atkinson, R, blendy, S . (2005). Introduction: international perspectives on the new enclavism and the rise of gated communities.housing studies,20(2),177-186
- Casanovas.m.(2001),public art and its integration in the urban environment , urban regeneration. A challenge for public Art university of Barcelona 2001
- Fallon,Kathleen M ,(2003),transforming womens citizenship Rights within an Emerging Democratic State: The case of Ghana , Gender & Society ,17 , pp526-525
- Franck, Karen,(2002), women and Environment in Bechtel, R. & Churchman, A. (eds.) Handbook of Environment Psychology, John Wiley & sons , New york.
- Larrere,Catherine(2011),Jean-Jacques Rousseau on women and citizenship, History of European ideas, 37, p218-35
- Smith, N, Low, S.(2006) Introduction: the imperative of public space. In S.M. Low, N. Smith(Eds.), the politics of public space (16-1).new York: routledge.
- Stromquist,Nelly P,Womens rights to adult education as a means to citizenship, international jurnal of Educational,26, 147
- walzer,M(1986).pleasure and costs of urbanity .dissent33(4).pp470- 475